

صورت خطاب مزبور اینست
(گر از تخت بگذشت فرماندهی)
(بر آمد جوان بخت شامتهی)
(در این سوک اگر دیده خون بار گشت)
(دل از گلیفی تازه گلزار گشت)
(درخت گلی گرفت از بوستان)
(بساناد خرم نهال جوان)
(قاما مضمی جبل و انقضی)
(قنک لنا جبل قد مضمی)
(فیا مارما اقمه ته ید)
(لنا بمدک الصارم المنتضی)
هر چند در این مصیبت عظمی و داهی کبری
کافه رها یا خون از دیده میبارند و بر سوک پدر
تاجدار خود با ناله های جگر سوز میزنند لکن
از آنجا که خداوند رحمن برحمت واسمه و حکمت
بالقه بمصدوقه مانع من ایقوا نمنهات بخیر منها
او مثلها ندارد این مصیبت بزرگ را بموهبت
عظیمی بس سترگ آنگونه تلافی فرموده که زبان و
بیان از ادای شکر و ثنایش عاجز و قاصر است همان
بهتر که عامه خلائق در پیشگاه اسلامیان پناه اهل حضرت
قدر قدرت کیوان رفعت شهریار گزین اقتدار ملک
ملوک اقتدار السلطان محمد علی شاه تاجدار خلد الله ملکه
و ابد سلطانه از مراسم سوگواری پیمان سنت استرجاع
و استرحام اکتفا نمایند و زیاده جزع و زاری نکنند که
شاهنشاه ماضی انارالله برهانه و رفیع فی اعلی طرف
الجنان مقامه و مکانه اگر چه مرق خوش را از نمود
بیکر عطوفت منظر نهی ساعت لکن بحمدالله سر بر
سلطنت و کاخ شهریاری را باورث تاج و تفتی برداخت
که حقیقتش را بهتر آیت رحمت است و جایگاه نیاکش
را نیکوتر خلیفت بر حق
(دو عالم را بدین یکجان سپرده است)
(چو جانش هست نتوان گفت مرده است)

عقرب که تنه های کشته اش را بر سرهت برق و
شتاب شهاب با هیبت ملکانه و عزم خشروانه آبیاری کند
..... (۱) بارو
شود و اعضاء آمال بهر مرز و بوم سابه حیوة افکنند
هر چند مقدرات الهی را حکمتهای بی منتهاست لکن
ظاهرتر حکمتی که حادثه کنونی را ضمیم تواند بود
همین است که در اراده ازلی چنان رفته مگر خدایگان
معظم اعز الله امر و نصر لوائه را در تکمیل اقدامات
و تحصیل منویات یسروا لالتبار در حصول این شرف بزرگ
اساسی سهیم و شریک فرماید تا تاریخ این عصر فرخنده
قدر که متع عهد عدل و امن است بنام نامی ایندو
پادشاه مددک دستگاه تابینامت مطرز پمانند و از
متون تواریخ ایام معو و منسی نگردد . اکنون
چیزیکه موجب تسلیت خواطر غمیدگان و مایه
آرامش قلوب عموم ایرانیان است تهتیت جلوس
میمنت مانوس و زیارت طلعت همیون و دهای دوام
دولت روز افزون است .
خدایا تو این شاه را یار باش
بدین پاک قصدش مدد کار باش
(۱) یک سطر مقرونیست .

فوت شاه در ساعت شش از شب چهارشنبه ۲۴ مهر
ذیقده الحرام اتفاق افتاد . در همان شب مراسم
تفصیل و تکفین و نماز اربعای آوردند .
بعد از فراغت از آداب در صوم مزبوره شاه بوژرای
حاضر فریب باین مضمون خطاب کرد (میل من آنست که
این تکالیف مهم را از گردن من برداشت و جنازه خسرو
مفقور را همچنان که در خانه عمر وصیت فرموده اند
بگر بلای مملار و نه نماید و طوری در این باب اقدام شود که
تا اذیل معرم منتخبین این خدمت از اینجا حرکت
کرده و بزودی جسد مبارک را در آستان مقدس
آقای خودش حضرت سید الشهداء ارواح العالمین
قده در خاک میارند)
و امداد آن شب هیئت از علماء و عاظم زادگان
و وزراء و قاجاریه برای تشییع در صدارت دولتی
حاضر شده صندوق جنازه را بشکوه دولت حمل نمودند .
در همان محل از روز پنجشنبه ۲۵ ناسه روز
مجلس سوگواری و مجلس ترحیم و فاتحه و عزم آن
انقاد یافت . علماً ملت و ازگان مملکت در این سه
روز دسته دست به تسلیت شاه و ترحیم آمد و شد میکردند
در روز نخستین که علماء و وزراء برای تقدیم
تعمیرت بحضور شاه رفته بودند شاه حاضرین
را مخاطب ساخته بدین جمله تعلق کرد (واقفاً پدر
رؤف مهربانی از دست من و تمام ملت بیرون رفت)
حاضران از شنیدن این خطاب بانهاست افسوس و دردیغ
تعمیرت تسلیت گفتند و منجات معاللات دارالغلاطه باعلامات
عزا و بیرقهای سیاه مویه کتان در تکیه دولت بر اثر
یکدیگر ایستاد و فغان می نمودند و یکشنبه ۲۸
هنگام عصر و کلای مجلس جمعیان از طرف ملت
و انجمن شورای کبیر ملی در حضور شاه شرفیاب
شده سوگواری خود را با مروضات تعمیرت آمیز
تقدیم داشتند . از روزی که این واقعه اتفاق افتاد
سر در عمارت (بهارستان) را که مقام انقاد
(مجلس ملی) سیاه کرده جلسات مجلس را بطور
احترام و پاس عزتانه نوبت انقاد تعطیل نمودند .

مذاکرات دارالشورای ملی
روز سه شنبه سلخ شهر ذی قعدة
آقا سید حسن حالا که انتظار آمدن وزیر مالیه
است پس اگر لایحه هست بخوانند
رئیس يك اعتبار نامه هست که معادن طارم
جناب آقا میرزا محمد صادق داده شده میخواهید
قرائت شود تا جناب وزیر مالیه بیایند
حاج محمد اسمعیل آقا کلبه آمدن جناب
وزیر مالیه فقط برای عمل بوده است دیگر کاری
بایشان ندارم لکن کارهای دیگر زیاد است مردم
از اطراف شکایت میکنند کار مجلس فقط اصلاح
بوده نیست وزارتخانهها در داد رضی مردم بطور
سابق رفتار مینمایند پس باید اقدام در آن کارها
نمود و رقم ظلم کرد آمدن وزیر مالیه و اصلاح
بوده هم یکی از آن کارها است تا کی باید منتظر
شد برای این يك کار
آقا سید محمد تقی منافاتی ندارد این کارها
با کار دیگر همه باید اصلاح شود
حاج محمد اسمعیل آقا متصدی بنده هم
همین است لکن مردم میکنند در وزارتخانهها متدانه

همان کار عازماً میکنند و دو تا پول فائمه ندارد و
ابدأ خیال نکرده اند که این ترتیب بمیان آمده
تسکین ایشان این است مطیع و مطاع باشد
ببیند این ها اصلاح میشود یا همانطور ها است
بهر طریق که صلاح میدانید رفتار نمایند باید شروع
در کار کرد چه میفرمائید .
جسی گفتند صحیح است .
حاجی سید ابراهیم - کلبه باید بتواند
این باب نوشته شود که هم مردم بدانند .
حاجی محمد اسمعیل آقا قرار بود از مجلس
چیزی ببقام صدارت نوشته شود که در اداره
یست و کمرک که سال دولت است مفتش بگذارند
چه شد ؟
رئیس - بله نوشته شد لکن برای پیش
آمدن این ترتیب جواب آن هنوز نرسیده .
حاجی محمد اسمعیل آقا - جواب آقا
ذیر نشده هنوز نباید مطالبه جواب کرده .
رئیس - گمان نمیکند دیر شده باشد باین
اتفاقی که افتاده است .
سعد الدوله - آن امتیاز نامه که فرمودید
در باب معادن چیست ؟
رئیس - امتیاز معدنی است در خلخال و
طارم داده شده باین اعتبارنامه حاضر است صلاح
باشد بخوانند .
سعد الدوله - آن امتیاز که در سابق داده
بودند و محل گفتگو بود چه شد که قرار بود صدیق السلطان
و شیخ الملک و پسر کتابچی بیایند و مذاکره
شود پس خوبست بفرمائید يك چیزی بنویسند .
رئیس - صدیق السلطنه اظهار کرده بود
روزی را بیاید حالا مینویسیم حاضر شوند .
آقا سید محمد تقی - لایحه که وزیر معادن
در باب معادن طارم و خلخال نوشته بود قرائت
می نمایند .
سعد الدوله این خیلی خوب است و باید مدانه
بشود از این گذشته فصل هفتم آن مغایرت دارد
با امتیاز نامه بانك ملی باید در کمیسیون چندین
مرتبه خوانده شود بعد از آنکه دقت شود بان آخر
رسید باید بیانك ملی تکلیف شود اگر قبول کرد
بسیار خوب چون این قبیل امتیازات را دولت
بیانك داده علاوه این طور خواه من هم از وقت
مجلس میکاهد باید این رقم امتیازات را صاحبانش
چاپ کرده باعضاء بدعند هر کس دقت و
تفکر کند
آقا سید حسین همانطور که حاج محمد اسمعیل
آقا گفتند باید کارها مرتب باشد در باب اصلاح
بوده از قرائت که اهل حضرت اقدس فرمودند با
کوشش کرد در اصلاح آن وطوری باشد که صدای
تمام اهالی مملکت بلند نشود و دیگر آنکه وزارت
عدلیه ترقیش همین است که با مردم رفتار میشو
د باید تغییر داده شود که راحت باشند
سعد الدوله - کرازا این مطلب مذاکره
و هر وقت بوژراه میکنند جواب میدهند =
باید قانون وزارتخانهها نوشته شود از آن رو را
نمایند لکن این مطلب بیگناه و دوامه تمام نمیا
کسیبونها متعدد لازم است هیچکس بی پول خه
نمیکند همه موجب میشوند یکی از مطالب
باید جناب رئیس او را اهتمام داشته باشد این

که يك فراری دو امر نطق بنهید اگر يك قرار درستی در این کار دادید همه کارها درست میشود خیلی از آقایان معترم عذر میخواهم چون دیدم همه مکرر مستند از خارج میشوند برای نطق مجلس مضمون میگویند حالا عرض میکنم اگر کسی گوش داده باشد به تلفن که سیمهای آن در يك نقطه جمع باشد آنوقت صداهای مختلف میشود این مجلس هم همانطور است روزنامه مجلس آسوی شاهداست برای اثبات این مطلب.

و ثوق الدوله معیج است بلکه اهم فرائض همین است
رئیس - آقایان و کلامه همراهی بفرمائید تا صحیح شود.

سعدالدوله - خیلی هم کافی و کار آزموده هستند مطلقا که بنده عرض مینمایم ضبط کنند بیه اگر ایراد دی دارد جواب بدهند چون من حواس درستی ندارم رشته مطلب از دستم خارج میشود خلاصه بعد از آنکه امانت دولت و کلاصحت زحمتهای کشیده نشدند و ادارات را منظم کردند که قوانین آنها باید نوشته شود قبل آنکه این ادارات مشغول کار بشوند باید مخرج تعیین نمود و دیگر آنکه امروز جناب وزیر مالی اینجا تشریف خواهند آورد فکر کنید به پینده چطور باید حرف بزنید حالا مایات را چطور اخذ مینمایند و اصلاح آن از چه راه است والا اجرای قانون خیلی سهل است وزیر مالی آدم تحصیل کرده مجرب آزموده است و در مکتب اول فرنگستان تحصیل کرده است.

آقای میر سید محمد - از روزیکه نظامنامه را به مجلس دادند حکام ظلم را بیشتر کرده اند هم نسبت برصیت و هم در باب انتقابات باید در این باب چه کرد.

سعدالدوله نازرنت هم جمعی آمده اند اینجا ماض هستند و همینطور از مبدان و جاهای دیگر باینکه ظهیرالدوله خوب حکومت کرده

آقای میرزا سید محمد بله حکومت ممدان خوب رفتار کرده است خیلی شکایت از مجلس تبریز دارند اگر اینطور باشد مملکت هرج و مرج خواهد شد مجلس شورای ملی یکی بیشتر نیست آنها نمیدانم چه میگویند این وضع تبریز اسباب افتشاش شده نه تنها در تبریز مجلس است بلکه در همه جاییش خود مجلس قرار داده اند.

سعدالدوله - هنوز در هیچ جا معنی مجلس را نفهمیده اند باید از این باب مطلب را فهاوند که کسی بداند ولی باید صبر کرد تا و کلا آنها بیایند خودشان بنویسند که آنچه پیش گرفته اند صحیح نیست.

آقای میرزا سید محمد - تا منتظر باشید آنها بیایند هرج و مرج خواهد شد.

آقای سید حسن تقی زاده - سه شکل دارد مجلس تبریز یا اینکه از اینجا دستور العمل قانونی بفرستید که از آن روز قرار نمایند حالا که قانون نوشته نشده است یا این که باید مستبدانه تسلیم حکام نمود در تبریز مجلس شورای ملی نیست انجمن ایالتی است.

حاج محمد اسمعیل آقا - این مجلس تبریز انجمن است برای رسیدن بتظلمات مردم و لیجسرت دولایت عهد خودشان دستخط مرحمت رموده اند کلیه باید انجمن ایالتی باشد خلاصی هم از ایشان صادر نشده.

آقای میرزا سید محمد - کارش بالاتر از این است حاجی میرزا حسن اتحادا مجبور کردند اموال خودش را بایشان واگذار کرد.

آقای میرزا محمود خوانساری - حاجی میرزا حسن آقا که باختیار خود بطوع و رغبت اینکار را کرد.

حاجی محمد اسمعیل آقا - در این مدت یکدینار از مایات دولت را گرفته اند باینکه يك پول رشوه از کسی اخذ کرده اند جز آنکه مواجب فراشها را از سکیسه خودشان داده اند و بتظلمات مردم رسیدگی نمودند.

سید مرتضوی - حالا میخواهند آن مجلس را برهم بزنند و همان کارها را بکنند که سابق معمول بود چون مجلس از دزدی و تقلب آنها مانع است باین خیال افتاده اند.

حاجی محمد اسمعیل آقا - خود شاه جناب مشیر دفتر را رئیس مجلس قرارداد که در واقع او مجری است.

آقای سید عبداللّه مجتهد - شاه خیلی شکایت کرده از وضع مجلس تبریز که اسباب زحمت شده.

تقی زاده - مجلس تبریز حالا مدعی بر این است که جمیع ظلم از تبریز رفع شده است اگر يك عیب پیدا کنند بنده حاضرم.

حاجی محمد اسمعیل آقا - در این سه ماه صد دینار رشوه از کسی گرفته نشده است.

آقای شیخ حسین - در تمام مملکت يك قانون گذار میخواهند اگر آنجا بخواهند اینکار را بکنند سایر ولایات هم همینطور میخواهند رفتار نمایند و این نمیشود.

ملا حسن - حالا که قانون نیست پس باید مردم بنشینند و از حکام و ظلام توی سری بغورند.

تقی زاده - اگر این مجلس کار بکند که بمایات دولت ضرر بخورد بافتشاش و هرج مرجی بشود حق دارند که جلو گیری بفرمایند ولی آنها کاری باین کارها ندارند و مواجب کارکنان را از کیسه خودشان میدهند.

آقای میرزا سید محمد - غرض این است نباید از تحت سلطنت و حکومت خارج شوند و نباید ظلم تعدی هم بکسی شود.

حاجی محمد اسمعیل آقا - آنها کاری بدولت و حکومت ندارند شاید بعوض مبارک خلاف عرض کرده باشند.

آقای میرزا سید محمد - خیر من بغیر اطلاع دارم بنظام الملک پیغام داده بودند که ماهی سیصد تومان میدهم میخواهی بیاوگار بکاری نداشته باش.

آقای سید عبداللّه - بلی آنها قدری تسحر کت میکنند باید در این مطلب مذاکره شود امروز بعهدالله شامزوف و مشفق است.

آقای سید حسین بر و جردی - شاید اگر وجود مبارک اعلیحضرت را مطلع بکنند به ظلمهای فوق العاده تصدیق بفرمایند به بینند در خراسان شصت هزار خروار جنس بدیوان میدهند که چهل هزار خروار آبرای از بابت حقوق بگیرند از دیوان خروادی پانزده هزار میگرد و از رعیت پانزده تومان میگیرد بیست هزار خروار در در انبار حس کرده که بیوسد وبدولت نداده نفر را روکش کرده که اگر این دندمه هر کت کند ظاهر من میآید

و بتوسط سفارت انگلیس تلگراف شده که حمل نمایند حالا اگر در آنجا هم مجلسی بود این طور هان میشد.

آقای سید محمد تقی - حالا ای گفتن این حرفها نیست همانطور که اعلیحضرت اقدس فرمودند باید بمعل بودجه رسید آقا سید عبدالله حالا گفتن این گونه مطالب صحیح نیست.

سعدالدوله - نتیجه این است که گفتیم باید وزیر مالیه حاضر باشند بر روز دیدیم همه وزراء حاضر بودند چکار داشتند که میگویند کار داریم اگر امروز وزیر داخله در اینجا حاضر بود جواب این مقالات را میداد چرا نباید آنها حاضر شوند رئیس هم تصیری ندارد در مخدور گرفتار شده بیچاره نمیداند چه بگوید.

حاجی محمد اسمعیل آقا - بنده عقیده ام اینست که همه بامان آزاد نیست که هر کس هر چه میداند بگوید و زور باشد بایشان فرق نمیکند باید آزادی باشد.

آقای میرزا محمد حسن - پس اگر این طور است که میفرمائید مجلس چه نمردارد.

آقای میرزا سید محمد - چطور آزاد نیستند این مجلس برای همین است که هر کس هر چه میداند بگوید.

حاجی محمد اسمعیل آقا - دیگر بعد از این تعدی و حرفی نیست.

آقای میرزا سید محمد - خیر برای چه هر کس آزادست رای خودش را بگوید.

حاجی محمد اسمعیل آقا - چه ایرادی به مجلس تبریز میگیرند بگویدند تا جواب عرض کنیم آنها جز آنکه جلو مستبدین را گرفته اند کاری دیگر هم کرده اند مگر بر رئیس عرض کردم مجلس تبریز دستور العمل از اینجا خواسته اند آنها منتظرند که دستور العمل برود.

آقای میرزا محمود خوانساری - هر کس مجلس تبریز توهم نماید این مجلس را توهم نموده.

آقای سید عبداللّه - حالا این حرف بماند تا بعد.
سعدالدوله - بسو کلابیکه برای طهران منتخب کرده اند هر نفری را پانصد تومان داده اند که در واقع خدمتی این مجلس کرده اند.

ملا حسن - آفرین بر این ملت غیور.

سعدالدوله - آن فقره شبلات که صیادان اجملها کرده اند و حرفها میزنند و مأمور میفرستند چه باید کرد مدتی است قرارنامه (لیانازف) را خواسته ایم تا حالا نیامده آن قرار نامه اولی را میخواهیم بهیچیم در کی وجه تاریخ واگذار شده؟

آقای میرزا سید محمد - آن قرارنامه میرزا حسینخان سیهسالار را خواسته ایم که هنوز نرسیده.

سعدالدوله - ماهی حرام که بلامالك بوده دولت واگذار کرده.

آقای میر سید محمد مجتهد - دولت هر چه مال خودش است حق داشته امتیازش را بدیگری داده مال فقیرا نمیتواند بدهد.

آقای میرزا محمد طاهر - این دفعه سیم است که از مجلس برای آوردن قرارنامه می نویسند.

سعدالدوله - چند مطلب پیدا کرده بودم وزیر مالیه حاضر نشدند که بگویم دخل دولت از چه راه است مردم بیچاره گمان میکنند مواجب مستر بر را میخواهند قطع کنند خیر باید کاری کرد مواجب و مستمری را در خانهای شما بیاروند بدهند مثلا

چیزیکه قطع میشود از این قبیل باست مثلا ضمن اسمحیل نیا کوفرو شکر این صورت شانزده باباستی مختلف چهارصد و چهل تومان میرسد البت اینها را میرتند و نمیدهند مردم وحشت نکنند و باسلام کارها درست میشود.

حاجی محمد اسمعیل آقا - اگر در کارها بخواهید اقدام کنید شمارهم مثل مجلس تبریز خواهد کرد چه خواهی کرد.

سعدالدوله - آتوقت میگویم انالله وانا الیه راجعون این مردمی که می بینید از آن اغضایی هستند که برای وطن جان میدهند صراهران و یادشده تجدید شده گوش بصرف کسی نخواهند داد.

حاجی محمد اسمعیل آقا - امتت در مملکت نیست از یکطرف عارض بیچاره پنجاه نفر قتل میکنند اول باید اصلاح این قسم تعدیات را کرد که طغیان وارد میشود از گفتندار گرفته تا آن صدر همه رشوه میخوانند وزیر عدلیه ابدأ برض مردم نمیرسد.

آقای میرزا ظاهر - وزیر عدلیه مصلحان است یاخیر اگر مسلمان است رشوه نگیرد.

آقای سعیدالله - اینها ناظران ما هستیم تا امروز شنیده نشده که وزیر عدلیه از کسی رشوه بگیرد انشاءالله نمیکرد.

سعدالدوله - آنچه در مجلس مذاکره میشود راجع باشخاص نیست.

حاجی محمد اسمعیل آقا - معاون الملک ملک شمریان خودش را نوسال است به بند مفرخته و تصرف نمیدهند هرچه بوزیر عدلیه میگویم مسامحه مینماید ابدأ بمجلس هم اظهار نداشته اند.

آقای سعیدالله - مطابق نظامنامه بنویسد و بمجلس اظهار نمایند.

سعدالدوله - اگر بمجلس هم اظهار نمایند ندارد.

آقای سعیدالله - اصلاح امور را از وزیر عدلیه کلیه بخواهید هرگاه اقدام نکرد ما تکلیف خود را میدانیم.

حاجی محمد اسمعیل آقا - عرض میکنم تاکی باید صبر کرد احقاق حق نمیکند فرق نمیکند احقاق حق نکردن مثل رشوه گرفتن است.

آقا سیید عبدالله - مجلس باید بخواهد از وزیر عدلیه هر وقت جواب نداد هر طور که صلاح است از قرار نظامنامه رفتار نمایند.

آقای میرزا محمود خونساری - چنانچه وزیر مالیه اگر حاضر نشد نباید نوشت.

رئیس - البته باید نوشت و مینویسیم.

سعدالدوله - بینی و بین الله و زوراه نامتوز معنی مسئولیت را نمیدانند و خود را مسئول نمیدانند و ابدأ اعتنا باین مجلس ندارند رجوع بکلتک توخارج به آییند وزراء همه روزه بمجلس میروند چقدر باید گفت. نفس من گرفت اینقدر کفتم بایسوزرا خودشان بیایند رئیس هم در معذور واقع شده دولت بجایه در این امر اقدام نماید.

مخبر الملک - خوبست نتیجه مجلس امروز را این دو فقره قرار بدهیم یکی آنکه بصبر اعظم بنویسند که وزراء با معاون ایشان همه روزه حاضر باشند در مجلس و دیگر آنکه از فردا صبح یک کیسیون در اینجا بشود و مختصر قانونی جهت تبریز نوشته شود حالا که آنها جلو افتاده اند باید حدودش را هم معین کرد که از حدود خود تجاوز نکنند.

آقای سعید محمد تقی - لایحه صفتی را از بسات خراسان بطور سؤال نوشته بود قرائت نمود.

آقای میرزا ابوالحسن خان - خوبست وزیر داخله را بخواهید در این باب بایشان سؤال و جواب شود.

ققی زاده - خوبست عزل آصف الدوله را بخواهید باین اعتبار بطور اجماع معلوم است خیلی مرد ظالم و مهنلی است.

آقای سعید محمد تقی - لایحه از بسات بانک قرائت نمود **آقای سعید مهملی** - آن حقوق مردم که در شرکت عمومی سوخت کرده بگیرند و بدهند آنوقت همان مردم پول بیابک ملی خواهند داد.

آقای میرزا ابوالحسن خان - آن شرکت سابق که پای ملک التجار در میان بوده غیر از این ترتیب است امروز مسئله عرض و ناموس در میان است.

سعدالدوله - از بین این مجلس بهر تدبیر که بود راه آستارا گرفته شد و اداره را هم از ملک سرقتند بلکه از فراری که حاجی میگویند بگتومان هم سه تومان شده است.

آقای سعید مهملی - خوبست این مطالب را در روزنامه بنویسند که همه گن بداند.

سعدالدوله - خودش همین حرفها در روزنامه مجلس درج میشود همه کس باخبر میشود.

آقای میرزا سیید محمد - ترتیب قرائت نامه من نمیدانم چطور است اینجا نوکر روس هستند یا نوکر ایران اگر نوکر روس هستند ما نوکر روس لازم نداریم اگر نوکر ایران هستند پس چرا علامت نظامی ایران در آنها نیست این یکطرف مشاق روسی آمده به بیننده کارها کرده.

رئیس - البته اینها نوکر ایرانند و باید در تحت فرمان دولت ایران باشند.

آقای میرزا سیید محمد - اینها علامت نوکری ایران را ابدأ ندارند علاوه چندی قبل دو شمریان سفیر روس آمد احترامات زیاد کردند نایب السلطنه آمد احترامی باو نکردند اینها برای چه است.

سیدالحکماء - در حالی چهارصد و هشتاد هزار تومان از دولت میگیرد همه جهت هشتصد نفر تراق ملر.

سیدالحکماء - در حالی چهارصد و هشتاد هزار تومان از دولت میگیرد همه جهت هشتصد نفر تراق ملر.

سیدالحکماء - در حالی چهارصد و هشتاد هزار تومان از دولت میگیرد همه جهت هشتصد نفر تراق ملر.

سیدالحکماء - در حالی چهارصد و هشتاد هزار تومان از دولت میگیرد همه جهت هشتصد نفر تراق ملر.

سیدالحکماء - در حالی چهارصد و هشتاد هزار تومان از دولت میگیرد همه جهت هشتصد نفر تراق ملر.

سیدالحکماء - در حالی چهارصد و هشتاد هزار تومان از دولت میگیرد همه جهت هشتصد نفر تراق ملر.

سیدالحکماء - در حالی چهارصد و هشتاد هزار تومان از دولت میگیرد همه جهت هشتصد نفر تراق ملر.

سیدالحکماء - در حالی چهارصد و هشتاد هزار تومان از دولت میگیرد همه جهت هشتصد نفر تراق ملر.

سیدالحکماء - در حالی چهارصد و هشتاد هزار تومان از دولت میگیرد همه جهت هشتصد نفر تراق ملر.

سیدالحکماء - بنده عرض میکنم که ما امروز طرف مجلس صلاح نیست برود خوب است برای این مطلب کمیسیون مقرر شود که رسیدگی کند.

آقای میرزا محسن - کمیسیون چرا کار کند؟ **سیدالحکماء** - کمیسیون رسیدگی میکند در امر انتصاب ولایات و دستور انتصاب و خواستن آنها را بطور تأکید ممول میدارد.

سعدالدوله - در یکجا جمعی یک نفر را انتخاب میکنند و روانه می دارند بعد بکله سته دیگر تلگراف میکنند که ما او را وکیل تعیین کردیم در صورتی که بعد معلوم میشود که همان اشخاص او را وکیل کرده بودند حال چطور بدایتیم که ما اظهار صحیح است؟

آقای سعید محمد تقی - چنانچه این مطلب واقع شد.

سعدالدوله - مثل وکیل التجار رشت که عده از او شکایت داوود دسته میگویند که با اکثریت آراء منتخب شده است.

محقق الدوله - بنامش تحقیقی در این باب بعمل بیاید بدخلاصه آن در مجلس مذاکره خواهد شد در این موقع وزیر داخله بمجلس آمدند.

سعدالدوله - خوبست بعدها جای وزرله معین باشد و کسی در آنها نشیند از حسن اتفاقی خوب شد که امروز وزیر داخله تشریف آوردند و مسئله انتخاب راجع بایشان است که باید از حکام بخواهند از روی ترتیب صحیحی که بعدها موجب اشکال نباشد منتخب شود.

حاجی محمد اسمعیل آقا - خوبست دوباره تکرار بشود تا جناب وزیر مسبق شوند.

سعدالدوله - وکلای ولایات را حکومتها نمی گذارند انتخاب بشوند و دیگر اینکه بعضی از انتصابات بعد ها اسباب حرف و گفتگو است. اولاً در این باب حکم صحت لازم است که حکام مانع نشوند و همراهی کنند و طوری باشد که بعد در انتخاب حرف و گفتگو نباشد.

وزیر داخله - مجلس صورتی بدهد که کدام یک از حکام ولایات تملل میکنند تا حکم شود و کلارا انتخاب کرده روانه نمایند.

آقای سعید محمد تقی - شیراز و خراسان.

وزیر داخله - اکید آنکه اگر اسمی که حکام در این باب کمال همراهی را نمیدانند ولی اگر وکلاد تملل کردند آنها چه باید کرد.

سعدالدوله - خیر و کلامت نمیکنند می آیند و توفیق الدوله - چرا او کلام تملل دارند برای معارج آمدن چنانچه حکومت کردستان تلگراف کرده بود.

سعدالدوله - الحمد لله امروز همه حاضرند ترتیبی برای این کار بدهند این مطلب راجع بوزیر مالیه است یعنی تعیین معارج و کلا.

وزیر مالیه - باید مجلس این مسئله را بحضور همایونی عرض کنند تا تکلیف را معین فرمایند.

سعدالدوله - مجلس شمارا مسئول این کار می داند شما عرض کنید.

وزیر مالیه - مجلس همین بکنند صورت آن را بنویسد بنویسد وزارت بشمار عرض شود چه نامه پب فرمودند عمل میشود.

سعدالدوله - الحمد لله امروز همه حاضرند ترتیبی برای این کار بدهند این مطلب راجع بوزیر مالیه است یعنی تعیین معارج و کلا.

وزیر مالیه - باید مجلس این مسئله را بحضور همایونی عرض کنند تا تکلیف را معین فرمایند.

سعدالدوله - مجلس شمارا مسئول این کار می داند شما عرض کنید.

وزیر مالیه - مجلس همین بکنند صورت آن را بنویسد بنویسد وزارت بشمار عرض شود چه نامه پب فرمودند عمل میشود.

سعدالدوله - الحمد لله امروز همه حاضرند ترتیبی برای این کار بدهند این مطلب راجع بوزیر مالیه است یعنی تعیین معارج و کلا.

وزیر مالیه - باید مجلس این مسئله را بحضور همایونی عرض کنند تا تکلیف را معین فرمایند.

سعدالدوله - مجلس شمارا مسئول این کار می داند شما عرض کنید.